

بیان و جلوه‌های صور خیال در شعر سیمین بهبهانی

سیروس شمیسا* - محبوبه کاشی**

چکیده

صور خیال در این پژوهش، در موضوعات: تشبیه (و انواع آن از دیدگاه‌های مختلف)، استعاره (مصرحه، مکئیه، تبعیه، تحقیقه، تخیلیه، اسناد مجازی و انسان‌وارگی)، کنایه (کنایه از موصوف، کنایه از صفت و کنایه از فعل)، مجاز (انواع آن) دسته‌بندی شده است و یک به یک در اشعار سیمین بهبهانی بررسی شده است.

برای این کار در ابتدا همه‌ی نمونه‌های صور خیال در شعرهای سیمین بهبهانی فیش‌برداری شد که تهیه بیش از پنج‌هزار فیش، نتیجه‌ی بازیافت این نمونه‌ها بود. سپس با بررسی تئوریک صور خیال، دسته‌بندی منظمی از فیش‌های مربوط صورت گرفت. و مبحث به مبحث مطالبی درباره‌ی شکل‌های تخیل و کاربرد آن‌ها در اشعار بهبهانی، با توجه و نگرشی به نظر صاحب‌نظران، نوشته شد. سپس برای هر موضوع نمونه‌های گویا و برجسته از کتاب‌های هشت‌گانه‌ی شاعر در مجموعه‌اش انتخاب شد.

از بررسی‌های انجام شده و بر اساس فیش‌های تهیه شده نتیجه‌های آماری و بسامدی مفید به‌دست می‌آید که برای استفاده‌ی صاحب‌نظران و علاقه‌مندان، آمار مربوط را نیز ارائه شد.

کلیدواژه: صور خیال، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه

هنر چیست و رازماندگاری آن کدام است؟

برخی از مقولات علوم انسانی تعریف ناپذیرند یا ارائه‌ی تعریفی برای آن‌ها امری دشوار است. در مورد هنر نیز چنین امری صادق است. شاید بتوان گفت هنر و شعر از مقوله‌هایی هستند که هنوز کسی موفق نشده تعریفی ارائه دهد که اتفاق نظری بر آن باشد.

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، عهده‌دار مکاتبات

تاریخ وصول: ۸۸/۴/۲۴ - پذیرش نهایی: ۸۸/۱۲/۱۲

بندتو کروچه^۱ می‌گوید: «اغلب نظریه‌های فیلسوفان قبلی به‌وسیله‌ی فیلسوفان بعدی نقض می‌شود و البته این دلیل نمی‌شود که آن‌ها کار بی‌هوده‌ای انجام می‌دهند چون بسیاری از کارهای انسان چنین است از جمله خانه ساختن که انسان پیوسته خانه می‌سازد و خراب می‌کند و کسی نمی‌گوید که خانه ساختن کار بی‌هوده‌ای است.» (کلیات زیباشناسی/ ۴۹-۴۸). از قدیمی‌ترین تعاریفی که تاکنون از شعر صورت گرفته است همواره تخیل پایه‌ی اساسی شعر بوده است و جوهر شعر را خیال تشکیل می‌دهد. همین که یک متن، خیال‌انگیز باشد برای شعر بودن آن کافی است و بقیه خصوصیتی که در شعر اهمیت می‌یابند متناسب با شرایط، زمان، موضوع و تعریفی که در هر زمان از شعر می‌شود مهم جلوه می‌کنند. به بیان دیگر همین معیار کیفیت و عمق خیال است که شعر را از غیر شعر باز می‌شناساند. اما خیال و تخیل چیست؟ شفیع کدکنی چنین می‌نویسد: «خیال یا تصویر، حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است. خیال‌ها؛ یعنی تجربه‌های حسی، واسطه‌های انتقال تجربه‌های عاطفی هستند زیرا هر گونه عاطفه‌ای در انسان مشترک است. آن‌ها (شاعران) از چیزهایی سخن می‌گویند که دیگران نیز در آن زمینه با آن‌ها مشترکند. اما بیداری آن‌ها در برابر رویدادها؛ یعنی تجربه‌های ذهنی ایشان، همواره با نوعی تشخیص و برجستگی همراه است که ما عواطف خود را در تجربه‌های شعری ایشان بهتر می‌بینیم.» (صوخیال در شعر فارسی/ ۱۷). یا به بیانی دیگر «قدرت تخیل، یعنی شور و هیجانی کامل که به کار می‌افتد تا احساسات و اشیاء و تجربیات مختلف و متعلق به زمان‌ها و مکان‌های مختلف را در یک لحظه‌ی خاص در کنار هم جمع کند و یا بر روی یکدیگر منطبق نماید و در لحظه‌ای، زمانی بی‌کران و در مکانی محدود، سرزمینی پهناور را ارائه دهد.» (طلا در مس/ ۱/ ۷۶).

تخیل دریچه‌ای از تجربیات ذهنی است که شاعر از آن به جهان می‌نگرد، یک دریچه‌ی مخصوص که برای هر شاعری ویژه‌ی اوست و به همین مناسبت، شکل تخیل در هر شاعری با دیگران متفاوت است اگر چه موضوعات شاعرانی که در یک شرایط، یا در یک زمان و مکان می‌بیند مشترک است و حتی صور خیال آن‌ها نیز از یک مجموعه‌ی گسترده‌ی مشترک است، چرا که تجربیات حسی آن‌ها، هم‌جنس است.

اما صور خیال شکل‌هایی است که تخیل شاعر در آن‌ها خود را نشان می‌دهد. این صور در علم بیان مطرح می‌شوند و موضوع علم بیان «ایراد معنی واحد به طرق مختلف

^۱ - Benedetto Croce

بیان و جلوه‌های صور خیال در شعر سیمین بهبهانی -
 است، مشروط بر این که طرق مبتنی بر تخییل باشد یعنی لغات و عبارات به لحاظ تخییل
 نسبت به هم متفاوت باشند.» (بیان/۲۴).

در کتب سنتی علم بیان در چند بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از:
 تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه.

۱- صور خیال در شعر فارسی، ص ۱۷

۲- طلا در مس، ص ۷۶

۳- بیان، ص ۲۴

در این جستار به شکلی چکیده و مختصر بررسی صور خیال در شعر سیمین بهبهانی
 را در هر چهار مبحث مطرح در کتب بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) نشان می‌دهیم.
 سیمین بهبهانی در دوران معاصر در زمره‌ی غزل‌سرایان مطرح و تأثیرگذار قرار گرفته
 است و البته از معدود بانوان غزل‌سرا. او را باید از شاعرانی دانست که در عصری که شعر
 نیمایی مطرح شد به شیوه‌ی کلاسیک وفادار ماند. اما به گفته‌ی خود از نیما تأثیر پذیرفته
 است. سیمین صور خیال را از واجبات شعر برمی‌شمارد و باور دارد که هر شعری باید از صور
 خیال یا ظرایف گفتاری و دیداری برخوردار باشد تا تأثیری در مخاطب برانگیزد. و این باور را
 به راستی در شعرهای وی که از عناصر سازنده‌ی صور خیال سرشار هستند، می‌بینیم.

نسبت فراوانی صور خیال در کتاب‌های سیمین عبارتند از: جای پا (یازده درصد)،
 چلچراغ (سیزده درصد)، مرمر (چهارده درصد)، رستاخیز (هشت درصد) و یکی مثلاً این که نه
 درصد، خطی ز سرعت و از آتش (شانزده درصد)، یک دریچه آزادی (سیزده درصد)، دشت
 ارژن (شانزده درصد).

در ادامه‌ی جستار خلاصه‌ای از پژوهشی که درباره‌ی اشکال مختلف صور خیال
 سازنده‌ی شعر سیمین را، در چهار شکل اصلی آن (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) به نظر
 می‌رسانیم.

اولین مقوله‌ای که مورد بررسی قرار گرفته است و به علت بالاترین میزان کاربرد در
 آثار سیمین، از اهمیت بالایی برخوردار است، تشبیه می‌باشد.

تشبیه به‌عنوان نخستین جلوه‌های تخییل شاعر، در کتاب‌های بیان به شکل‌های
 مختلف از گذشته تاکنون تعریف شده است. تعاریفی از قبیل: «آن است که چیزی را به
 چیزی در صفتی مانند کرده باشند.» (طلا در مس/۷۶/۱) و

۵- فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۲۲۷

اما ما با هر تعریفی که به سراغ تشبیه برویم ناگزیریم دو سوی تشبیه را، یعنی مشبه و مشبه‌به و رابطه‌ی آن دو را که همانندی آن دو است (وجه شبه) بی‌ذیریم و بر اساس این پذیرش به بررسی تشبیه در شعر سیمین می‌پردازیم.

تشبیهات از دید دو سوی تشبیه

همان طوری که تشبیه حسی به حسی پرکاربردترین تشبیه در ادب فارسی است در دیوان سیمین نیز بالاترین میزان کاربرد را به خود اختصاص داده است.

پس از تشبیهات حسی به حسی بالاترین کاربرد (به اعتبار دو سوی تشبیه) از آن تشبیهات عقلی به حسی است، تشبیهات عقلی به حسی در کتاب *دشت ارژن* بالاترین بسامد و در کتاب *جای پا* کم‌ترین بسامد را دارا هستند. بعد از آن تشبیهات حسی به عقلی است که در دیوان سیمین کم‌کاربردتر از دو نوع پیشین می‌باشند.

آخرین نوع تشبیه به اعتبار دو سوی، تشبیه عقلی به عقلی است که کم‌تعدادترین تشبیه را از این دید در برمی‌گیرد. به علت کوتاه بودن مقال تنها یک نمونه از هر نوع تشبیه را ارائه می‌دهیم و این روال در تمام جستار به همین گونه خواهد بود.

تشبیه حسی به حسی:

در دهان زبان چو آویزی / در تهی‌گاه زنگ، می‌لفزید. (رستاخیز، فعل مجهول/۴۸۳).
زبان به آویز زنگ تشبیه شده است که تولید صدا می‌کند و تشبیه نوینی به‌شمار می‌آید.

تشبیه حسی به عقلی:

میش آینه چشمی، هم‌چو بختش به دنبال / پوستش زیر انگشت، موج پندار می‌شد. (دشت ارژن، کولی واره ۶۴۱/۲).

میش آینه چشم به بخت در به دنبال آمدن، و پوست زیر انگشت نیز به موج پندار تشبیه شده است.

تشبیه عقلی به حسی:

خیز و آینه پیدا کن، جای پنجه تماشا کن / تا چه کرده به رخسارت، گرگ ماده‌ی پنجاهی. (دشت ارژن، کولی واره ۶۴۱/۱۲).

گذشت عمر و رسیدن به ۵۰ سالگی به ماده گرگی تشبیه شده است که پنجه به صورت می‌اندازند و چهره را مخدوش و چروکیده می‌سازد.

تشبیه عقلی به عقلی:

ترسم چو باز آبی و پرسم ز عشق خویش / گویی، چو شور هستیم از سر پرید (مرمر، شهاب طلایی/۳۱۴).

عشق در «از سر پریدن» به شور مستی تشبیه شده است.

تشبیه مرکب:

یکی دیگر از انواع تشبیه که به دلیل عینی بودن تصاویر و ملموس بودن به روح و جوهر شعر معاصر و پیروان نیما نزدیک است تشبیه مرکب است که نمونه‌های موفق و هنرمندانه‌ای از آن را در آثار سیمین می‌توان پیدا کرد. میزان این تشبیه، نسبت به تشبیهات پیشین (به اعتبار دو سوی) بسیار کم‌تر است اما در حد یک پژوهش قابل توجه می‌باشد.

هر دختری سر دیوی / بنشانده بر سر زانو / چونان که کنده هیزم، بر شمش نقره
بنشانی.

نشاندن سر دیو بر روی زانوی سپید دختران زیبا مانند قرار گرفتن هیزم بر روی شمش نقره می‌باشد. وجه شبه قرار گرفتن سیاهی بر روی سپیدی.

تشبیه وهمی و خیالی :

تشبیهات غیرواقعی وقتی در شعر راه پیدا می‌کنند خود به خود تشبیهات وهمی و خیالی نیز ظاهر می‌شوند اما بازجست تشبیهات خیالی و وهمی در شعر سیمین کار آسانی نیست چرا که تعداد این تشبیهات در اشعار او بسیار کم و به زحمت می‌توان نمونه‌های آشکاری از آن‌ها را دریافت.

افراشت قد چدن غول بیابانی / طوفان گرد گرد (یک دریچه آزادی، این شاخه‌ها/۷۹۲).

طوفان در قد برافراشتن به غول بیابان تشبیه شده است مشبه‌به غول بیابان است که از دو جز تشکیل شده است که جزء اول آن غول است که وجود خارجی ندارد و جزء دوم بیابان و از ترکیب این دو جزء تشبیه وهمی ساخته شده است.

تشبیه مرسل و موکد و بلیغ:

انواع تشبیه در دیوان سیمین از دید ادات نیز بررسی شده است و همان‌طور که می‌دانیم بر اساس کاربرد ادات، تشبیهات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- مرسل ۲- موکد (بلیغ)

تشبیه موکد در دیوان سیمین به فراوانی یافت می‌شود و تشبیه مرسل نیز از کاربرد فراوانی برخوردار است و به شکل گوناگون کاربرد دارد و شاعر بیش‌تر موارد از ادات برای

پراکندن هجاهای مورد نظر و بیرون آمدن از تنگناهای وزن استفاده کرده است که به شکل فعل، حرف اضافه و پسوندهای شباهت بوده است.

منم ستاره شام و تویی سپیده‌ی صبح/ همیشه سوی رهت چشم انتظار من است
(چلچراغ، درخت تشنه/۲۴۵).

من به ستاره‌ی شام و تو به سپیده‌ی صبح تشبیه شده بدون ادات تشبیه.
بریز تا چه آرزو به گور نهم/ بده پیاله که خون در دل امید کنم! (چلچراغ، فریادی
پرست/۲۶۷).

چه آرزو یک تشبیه بلیغ که در آن آرزو به جرمی تشبیه شده است.
زهره هم‌چون دختران عشوه‌کار/ می‌فروشد نازها بر مشتری (جای پا/اذان/۱۴۷).
هم‌چون یکی از ادات تشبیه است و این تشبیه یک تشبیه مرسل می‌باشد.
تشبیه مضمّر و پنهان:

این نوع تشبیه نسبت به تشبیهات اخیر کاربرد کم‌تری دارند در تشبیه مضمّر ظاهراً با
ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است و به هر حال جمله قابل تأویل
به جمله‌ی تشبیهی است.

چشمش به من فتاد و به ناگاه خنده زد/ من هم چو گل ز خنده‌ی خورشید وا شدم.
(چلچراغ/ شراب/۲۰۳).

در این بیت علاوه بر این که با یک تشبیه مرسل روبه‌رو هستیم یک تشبیه مضمّر نیز
در آن دیده می‌شود و به صورت پنهانی معشوق به خورشید و خنده‌ی او به خنده‌ی خورشید
تشبیه شده است.

تشبیه تمثیل:

تشبیهی است که «مشبه به آن جنبه‌ی مثل یا حکایت داشته باشد در تشبیه تمثیل،
مشبه امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن مشبه‌به‌ای مرکب و محسوس
ذکر می‌شود». (بیان/۱۰۴).

به گریه حال و هوا هیچ بهتری نگرفت/ که آب شور نشوید ز بخت شوری را
مصراع دوم تمثیلی است برای مصراع اول، چنان که آب شور بدبختی را نمی‌شوید با
گریه کردن هم اوضاع بهتر نمی‌شود.

تشبیهات نو و امروزی:

سیمین بهبهانی یکی از درداشناترین شاعران معاصر است او نیاز به تازگی و با زمان پیش رفتن را در خود حس می‌کند. این است که شعر او از زبان امروزی برخوردار است وی دارای تشبیهات نو و امروزی فراوانی است.

کسی که بار دیگر، شگفتی بلوغ را / چو طعم کال میوه‌یی چشاند بی‌خبر، تویی
(دشت ارژن / همیشه در خیال.../۶۸۱).

شگفتی بلوغ به طعم میوه‌ای تشبیه شده است که هنوز کال است.

نسبت فراوانی کاربرد تشبیه در آثار سیمین عبارتند از:

جای پا (شش درصد)، چلچراغ (ده درصد)، مرمر (نوزده درصد)، رستاخیز (ده درصد)،
خطی سرعت و از آتش (بیست درصد)، دشت ارژن (هفده درصد)، یک دریچه آزادی (دوازده درصد) یکی مثلاً این که (شش درصد).

استعاره

استعاره در آثار هشتگانه‌ی سیمین بسامد کم‌تری نسبت به تشبیه دارد و در میان انواع استعاره نیز به دلیل گرایش شاعر به تشخیص و هم‌چنین تصویرسازی استعاره مکنیه از بسامد بیش‌تری برخوردار است نسبت به استعاره‌ی مصرحه.

در کتاب بیان «استعاره و تشبیه هر دو یکی هستند و استعاره در حقیقت تشبیه فشرده است. (Condensed Simile) یعنی تشبیه را آن قدر خلاصه و فشرده می‌نویسیم تا فقط یکی از دو سوی تشبیه باقی بماند.» (بیان/۱۵۴).

ایشان علاوه بر این که استعاره را پیش‌رفته‌تر از تشبیه می‌دانند، باور دارند که یکی از برتری‌های استعاره بر تشبیه علاوه بر ایجاز این است که در تشبیه ادعای شباهت است و در استعاره ادعای یکسانی و این همانی.

بر اساس تعاریف استعاره، هر گاه یکی از دو طرف تشبیه را ذکر کنیم و دیگری را اراده کنیم استعاره ایجاد می‌شود بنابراین از این دیدگاه دو نوع استعاره به‌وجود می‌آید یکی آن که مشبه ذکر شود و مشبه‌به در نظر باشد که نام آن «استعاره‌ی مکنیه» است و دیگری آن که مشبه‌به ذکر شود و مشبه اراده شود و آن «استعاره‌ی مصرحه» است.

استعاره‌ی مصرحه و انواع

فلک با صد هزاران میخ نوری / نوشته برکتیبه شرح دوری (چلچراغ / ترانه‌ها/۲۸۵).
میخ نوری استعاره مصرحه از ستاره - کتیبه استعاره مصرحه از آسمان - نوشته
استعاره مصرحه از مجموع ستارگان.

استعاره‌ی تخیلیه و تحقیقیه:

این گونه تعریف می‌شوند: وجه شبه (جامع) یا در هر دو هست (تحقیقی) یا در یکی از
طرفین نیست و ادعایی است (تخیلی).
استعاره‌ی تحقیقیه:

پیراهن بختم را، ترسم نتواند دوخت / خورشید که صد سوزن، بر سر ز طلا بسته
(مرمر / پیچک / ۲۹۸).

«سوزن» استعاره از اشعه‌ی خورشید با وجه شبه «درخشندگی» که در هر دو طرف
استعار وجود دارد.

استعاره‌ی تخیلیه:

دانم ای پرتوی خورشید، بتابی بر من / روزگاری که مرا گوشه‌ی ایوانی نیست
(چلچراغ / مهتاب خزان / ۱۷۹).

پرتوی خورشید استعاره از معشوق با وجه شبه تاییدن که در نور خورشید حقیقی و در
معشوقه ادعایی است.

استعاره مکنیه و انواع آن

استعاره‌ی مکنیه:

یکی از متعالی‌ترین اشکال صور خیال و شکل پیش‌رفته‌تری از تصویرسازی شاعرانه
است که سیمین نیز به این شکل خیال‌انگیز هنری توجه خاصی نشان داده است.
و آن چه با من پنجه‌های جور کرد / من به پاداش آن کنم با پیکرت! (جای پا /
در بسته / ۴۰).

در این بیت «جور» به حیوان درنده‌ای تشبیه شده است که دارای پنجه است.

استعاره‌ی تبعیه:

استعاره تبعیه در زبان فارسی استعاره در فعل و صفت است بر عکس اسناد مجازی،
فاعل را حقیقی پنداشته و فعل را به علاقه‌ی مشابهت تعبیر و تفسیر می‌کنیم.

صبح چو خنده زد، ز خنده‌ی او / از برای تو وام گرفتم (مرمر / عروسک موی / ۳۶۷).

خنده زدن، استعار از پرتوافشانی کردن و آشکار شدن روز است.

اسناد مجازی:

«اسناد مجازی اغتشاش در محور هم‌نشینی زبان است که در علم بیان ابواب مجاز و استعاره را در برمی‌گیرد. به زبان سنتی می‌توان گفت اسناد مجازی اسناد فعل به فاعل غیرحقیقی، یا اسناد صفت غیرمتعارف به موصوف و به‌طور کلی اسناد هر مسندی به مسندالیه غیرطبیعی و غیرمتعارف است.» (بیان/۲۹۲).

شرع، بر گشاده طومار حکم این گناه خوانده/ عقل، برکشیده ساطور، دست و سیب را بریده! (دشت ارژن/کولی واره/۶۴۸).

«برگشادن طومار» به «شرع» و نیز «برکشیدن ساطور» به «عقل» که فاعل غیرحقیقی است نسبت داده شده است.

انسان‌وارگی (تشخیص)

یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از ره‌گذر نیروی تخیل خویش بدان‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه‌ی چشم او به طبیعت و اشیا می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است. این تحرک و شور زندگی در اجزای بی‌جان طبیعت که به موهبت تخیل شاعر ایجاد می‌شود در کتاب بیان «تشخیص» یا انسان‌وارگی می‌نامند.

در ادبیات معاصر و شعر پس از نیما نیز این صورت تخیل شاعرانه، اهمیت زیادی یافت و شاعران برجسته‌ی نیمایی هر کدام به شکلی این هنر را در زبان خویش راه دادند. سیمین بهبهانی نیز با توجه به همان عینیت تأکید شده در تئوری‌های شعر نیمایی و کاربردهای موفق آن در این نوع شعر، توجهی خاصی به انسان‌وارگی دارد و این ذهنیت را به غزل معاصر تعمیم داده است و از این امکان استفاده‌ی خلاقانه‌ای کرده است.

بسامد انسان‌وارگی در آثار هشت‌گانه‌ی سیمین عبارتند از:

جای پا (ده درصد)، چلچراغ (چهارده درصد) مرمر(هفت درصد)، رستاخیز (یازده درصد) خطی ز سرعت و از آتش (چهارده درصد)، دشت ارژن (بیست و یک درصد)، یک دریچه‌ی آزادی (چهارده درصد)، یکی مثلاً این‌که (نه درصد).

هم‌چنین نسبت فراوانی کاربرد استعاره‌ی مکنیه (اعم از انسان‌وارگی و غیر انسان‌وارگی) در آثار هشت‌گانه‌ی سیمین به این صورت است که بیش‌ترین بسامد آن در

مجموعه‌ی خطی ز سرعت و از آتش و کم‌ترین آن در جای پا می‌باشد و این نشان می‌دهد که هر چه به کتاب‌های مؤخر سیمین نزدیک‌تر می‌شویم گرایش شاعر به استفاده از زبان و بیان مستعار بیش‌تر می‌شود.

انسان‌وارگی در صفت:

پاییز خسته‌ی غمگین! / دست تکیده و سرد است (یک دریچه / پاییز خسته.../۹۰۲).
پاییز به مانند انسانی خسته و غمگین تصور شده است.

انسان‌وارگی (به شکل اضافه‌ی استعاری):

مخمل مژگان مشکین می‌کشی بر دوش چشم / سایه پروردان نازند این دو
مخمل‌پوش چشم (خطی ز سرعت.../مخمل مژگان.../۵۲۳).

دوش چشم و مخمل‌پوش چشم اضافه‌ی استعاری که در اولی چشم به مانند انسانی است که دوش دارد و در مصراع دوم چشم به مانند انسانی است که لباس مخملی می‌پوشد.

نسبت فراوانی کاربرد استعاره در آثار سیمین بهیمنی عبارتند از:

جای پا(هشت درصد)، چلچراغ(دوازده درصد)، مرمر(نه درصد)، رستاخیز (دوازده درصد)، خطی ز سرعت و از آتش (شانزده درصد)، دشت ارژن (هفده درصد)، یک دریچه آزادی (پانزده درصد)، یکی مثلاً این که (یازده درصد).

کنایه

رایج‌ترین و طبیعی‌ترین نوع صور خیال کنایه است و در هر فرهنگ شفاهی مردم ما جایگاه ویژه‌ای دارد و به همین دلیل زبان فارسی یکی از پرکنایه‌ترین زبان‌های دنیا می‌باشد. سیمین بهیمنی از آن‌جا که شاعری مردمی با گرایش‌های اجتماعی است، طبیعی است که به این شکل بیان توجه‌ی خاصی داشته است. کاربرد این هنر پس از تشبیه نسبت به دیگر انواع هنرها در صور خیال دیوان سیمین بیش‌ترین بسامد را داشته است. کنایه سی و نه درصد صور خیال این دیوان را در بر دارد و بیش‌ترین بسامد از نظر استفاده از این هنر را کتاب چلچراغ (هجده درصد) و پس از آن جای پا (هفده درصد) تشکیل می‌دهد. در این پژوهش کنایه به سه دسته‌ی تقسیم‌بندی شده است کنایه از فعل - کنایه از موصوف - کنایه از صفت.

برای آشنایی بیش‌تر با این هنر در اشعار سیمین از هر کدام یک نمونه ارائه می‌کنیم:

کنایه از موصوف:

مسخ آن چنان شدیم که گرید برای ما / آن بیشه زاد سرخ نشیمن نیای ما! (مسخ
آن چنان / ۵۳۰).

بیشه زاد سرخ نشیمن کنایه از موصوف و منظور میمون است.

کنایه از صفت:

بنویس کان گریه در چشم / اندوه و وحشت به هم داشت / بی‌زار از جفت جویی،
بی‌بهره از پخته خواری. (خطی ز سرعت... / بنویس! / ۶۱۹).

پخته‌خواری کنایه از تبلی و بی‌کارگی است.

کنایه از فعل:

بده آن قوطی سرخاب مرا / تا زخم رنگ به بی‌رنگی خویش. (جای پا / نغمه
روسی / ۲۱).

رنگ زدن کنایه از آرایش کردن است.

مجاز

آخرین نوع صور خیال که در شعر سیمین مورد بررسی قرار گرفته است، مجاز است. در دفترهایی که سیمین به زبان روایی گرایش بیش‌تری داشته است مجاز دارای بسامد بیش‌تری است.

کاربرد این هنر در کتاب‌های سیمین عبارتند از:

جای پا (ده درصد)، چلچراغ (هشت درصد)، مرمز (یازده درصد)، رستاخیز (پنج درصد)، خطی ز سرعت و از آتش (نوزده درصد)، دشت ارژن (بیست و دو درصد)، یک دریچه آزادی (شانزده درصد)، یکی مثلاً این‌که (نه درصد).

از میان انواع مجاز به علاقه‌های گوناگون، مجاز به علاقه‌ی کلیت و جزئیت و مجاز به علاقه‌ی حال و محل و ظرف و مظهر کاربرد بیش‌تری داشته است.

در نمودارهای پیوست نمای کلی انواع استفاده‌ی سیمین از صور خیال قابل مشاهده است.

همان‌طور که مشاهده شد، به دلیل خلاقیت و قدرت تخیل بالای سیمین دیوان وی از دیوان‌های پرکاربرد در زمینه‌ی صور خیال است.

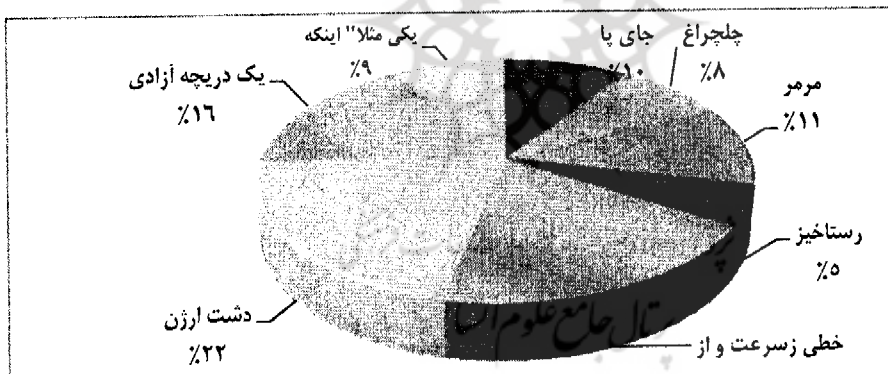
امید می‌رود در این مجال کوتاه، نمایی کلی اما سودمند از بیان شعری سیمین به دست خوانندگان و پژوهندگان آثار شعری معاصر داده باشیم.

منابع

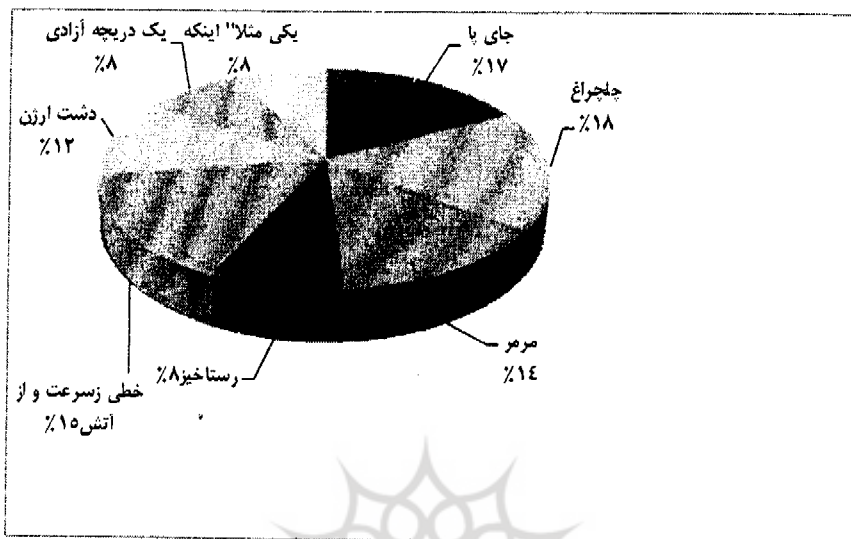
- ۱- براهنی، رضا، *طلا در مس*، ج ۱، نشر زریاب، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲- بهبهانی، سیمین، *مجموعه اشعار*، ج ۲، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳- شمیسا، سیروس، *بیان*، ج ۷، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- کروچه، بندتو، *کلیات زیباشناسی*، ج ۵، ترجمه‌ی فواد روحانی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۵- همایی، جلال‌الدین، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب، تهران، ۱۳۵۴.

پیوست‌ها

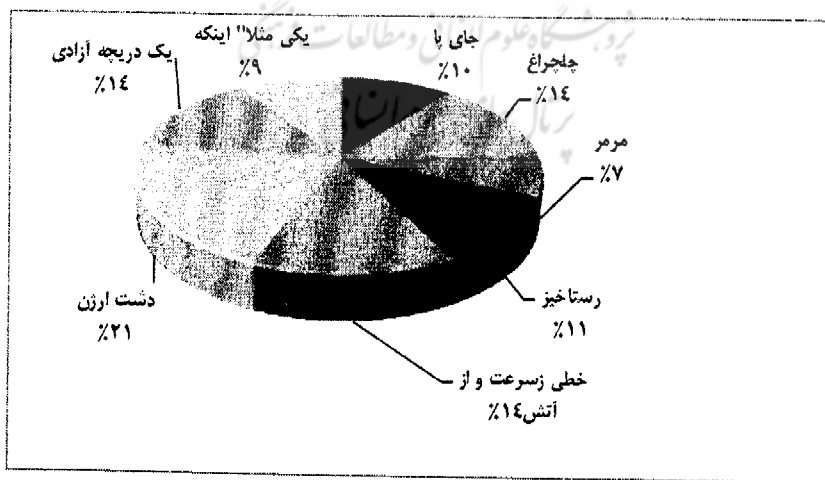
نمودار شماره‌ی ۱: نسبت فراوانی کاربرد صور خیال در آثار سیمین بهبهانی



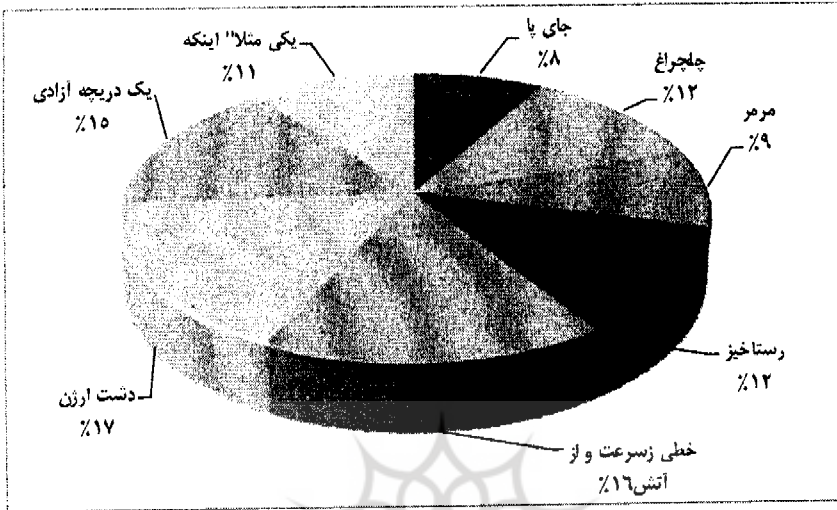
نمودار شماره‌ی ۲: نسبت فراوانی کاربرد مجاز در آثار سیمین بهبهانی



نمودار شماره‌ی ۳: نسبت فراوانی کاربرد کنایه در آثار سیمین بهبهانی



نمودار شماره ۴ : نسبت فراوانی کاربرد انسان‌وارگی در آثار سیمین بهبهانی



نمودار شماره ۵: نسبت فراوانی کاربرد استعاره در آثار سیمین بهبهانی

